

بررسی احوال و افکار چندربهان برهمن

زبیر احمد قمر*

چندربهان برهمن در شهر لاهور در عهد شاهجهان در سال ۱۵۷۵ میلادی متولد شد. نام پدرش دهرم داس بود که در دربار پادشاه محمد اکبر، مقام و اعتبار شایانی داشت. او یک عالم زبان سانسکریت و فارسی بود و عدّه کثیری از دانشوران هندوان را به دربار اکبر شاه آورد و به سبب صلاحیتشان به منصب های مختلف منصوب کرد. در آخر، از عهده منصب داری مستعفی شد و گوشه گیری اختیار کرد.

چندربهان در منشآت خود نام خود را چندربهان نوشته و تخلصش را «برهمن» گفته است. تلفظ برهمن دوگانه ادا می شود: یکی بَرَهْمَن، و دیگری بَرَهْمَن - یعنی در یکی حرف «ر» ساکن است و در دیگری حرف «ر» متحرک.

دکتر عبدالحمید در احوال و آثار برهمن می نویسد که:

”وی در شعر اکثراً بَرَهْمَن آورده و کمتر بَرَهْمَن نوشته است. لکن دکتر عبدالقادر نوشته است که چندربهان در دیوان بَرَهْمَن می نویسد و در نثر اکثراً بَرَهْمَن.“

درباره مولد یا جای پیدایش، سوانح نگاران و مورخان اختلاف دارند. پرفسور بهار سنّامی در گلزار بهار می نویسد:

* استاد بازنشسته بخش فارسی دانشگاه بهار، مظفرپور (بهار).

”تذکره‌نگاران و تاریخ‌نویسان دربارهٔ خدمات علمی و ادبی چندربهان برهمن تاکنون هیچ تفصیل نیاورده که از آن روشن شود که برهمن از کجا بود و کی به دنیا آمد.“

سید رفیق مارهروی در «هندون مین اردو» نوشته که چندربهان برهمن در ۹۸۲ هـ/ ۱۶۲۰ م. به مقام آگره چشم به جهان گشود. استاد عبدالحمید نیز می‌نویسد که از تاریخ و تذکره‌نویسان کسی توجه نکرده که از حالات برهمن شناسائی حاصل کند. برهمن که در چمن سوّم حالات زندگانی خود را موضوع بیان ساخته، از تولّد و احوال زندگی ابتدائی خود کمتر نوشته است. نویسندگان که دربارهٔ احوالش چیزی بیان کرده‌اند اکثراً مبنی بر قیاس است و علاقه به ثبوت تحقیقی ندارند. مؤلفین گلزار بهار^۱ و مختصر تاریخ ادب اردو^۲ و کیفیه^۳ تاریخ تولّد برهمن را ۹۲۲ هـ/ ۱۵۷۴ م. نوشته‌اند و این هم قرین صحت و اعتبار نیست.

دربارهٔ جای تولّد برهمن نیز محققین اختلاف دارند. دکتر عبدالحمید در این باره ذکر مفصل کرده می‌نویسد:

”ولیم بیلی گوید که برهمن از پتیاله بود و دکتر ایته می‌گوید که برهمن از پتیاله یا لاهور بود. مؤلف تذکرهٔ حسینی می‌نویسد که برهمن علاقه به اکبرآباد، یعنی آگره دارد. مؤلفین تذکرهٔ مرآةالخیال و خمخانهٔ جاوید و نتایج‌الافکار و شمع انجمن و مختصر تاریخ ادب اردو، بر این اتفاق دارند که برهمن از آگره بود.“

دکتر عبدالحمید لاهوری در این ضمن می‌نویسد که این غلط فهمی به این سبب به وجود آمد که خود برهمن در یک نامه که به نام افضل خان نوشته، می‌گوید:

۱. بهگونت رای بهار سنّامی، نول کشور پریس، دهلی.

۲. اعجاز حسین، ادارهٔ فروغ اردو، لکهنو.

۳. برج موهن کیفی، پندت: انجمن ترقی اردوی هند، دهلی.

”او بعد از حصول رخصت از خدمت فیض موهبت که اکسیر سعادت جاودانی است... به دارالسلطنت لاهور که به مقتضای لطافت آب و هوا و اقسام خوبیها دم مساوات به جنت الماوی می‌زند رسیده، سجدهات شکر و سپاس به درگاه وهب العطایا به جا آورده...“^۱

چندتا از تذکره‌نگار، مانند نورالحسن هاشمی، مؤلف بهار گلشن کشمیر و دیگران می‌گویند که برهمن از کشمیر بود. نسخه خطی شاعران کشمیری که در کتابخانه دولتی گوالیار است، نیز برهمن را از کشمیر می‌شمارد.

لاکن از بیان برهمن این امر واضح می‌گردد که او از لاهور بود. در چهار چمن ص ۷۹ می‌نویسد:

”شهر جنت نظیر خلد اساس، دارالسلطنت لاهور، از شهرهای عقده هندوستانی است...“

هزارن ممت ای لاهور بر باغ جنان داری

ز خوبی هر چه در اندیشه گنجد بیش از آن داری“

در جای دیگر می‌نویسد:

”در هنگامی که این نیازمند در دارالسلطنت لاهور نشو و نما یافت“^۲.

در آخر دکتر عبدالحمید می‌نویسد که برهمن از لاهور و خانه‌اش در نیولا^۳ بود که اکنون به نام نولکها معروف است.

پدر برهمن دهرم داس از علوم و فنون عهد خود خوب آگاه بود و در زبان سانسکریت و زبان فارسی مهارت داشت و از این سبب به دربار مغول وابسته شد و در دولت پادشاه محمد اکبر به دشت عالی فایز گردید و میان علما و نویسندگان ایرانی

۱. عبدالحمید لاهوری، [دکتر]: احوال و آثار برهمن، ص ۲۶.

۲. برهمن اکبرآبادی، منشی چندربهان: چهار چمن، ص ۱۰۹.

3. Neola known as Naulakha.

به مقام ممتاز رسید؛ چنانکه منصب‌دار شد. لکن در آخر از عهده منصب‌داری مستعفی شد و گوشه‌گیری اختیار نمود.

چندربهان برهمن را دو برادر حقیقی بود؛ یکی رأی بهان و دیگری اودی بهان، در برهمن تربیت و تعلیم هر دو برادران توجّه مبذول کرده، چنانکه در یک رقعہ نوشته: "از آنجا که فقر و سلوک آیین قدیم برهمنان است فقیر فقیر بود و رأی بهان و اودی بهان که هر دو برادر فقیراند، قدم بر قدم بزرگان گذاشتند و رفته رفته سر از منزل ارباب جذبہ حال کشیدند و این برادر را به جهت خدمتکاری و خبرداری خود در عالم تعلق گذاشتند.

زناشوئی برهمن

درباره همسرش هیچ اطلاعی در کتاب تذکرہ مسطور نیست؛ البتہ بہار سنّامی در گلزار بہار نوشته است که او یک پسر داشت که نامش پندت تیج جهان بود. برهمن از فکر تربیت و تعلیم پسر خیلی پریشان بود، چنان که می‌گوید:

فرزند بنده ایست خدا را غمش مخور

تو کیستی که به زخدا بنده پروری

و به برادر اودی بهان می‌نویسد:

"بالفضل آنچه بر فقیر لازم است، آن به نسبت فرزند تیج بهان می‌خواهد که به عمل آورد... از جمله شرایط و تربیت شرط عمدۀ آن است که معلّم دانا، صالح و خداشناس بهم باید رسانید."

در منشآت ص ۶۹ در یک نامه که به اورنگ‌زیب نوشته می‌گوید:

"فرزند بی‌مثال نهال امید است او را بر سحاب لطف احسان سرسبز شاداب باید داشت که میوه امید باز دهد."

و پسر را ترغیب داده که عمدۀ کتاب فارسی، مانند: اخلاق جلالی، اخلاق ناصری، گلستان و بوستان را بخواند و فنّ خطاطی نیز بیاموزد.

درباره اساتذده برهمن هر کس اتفاق دارد که برهمن از ملّا عبدالحکیم که یکی از بزرگترین عالمان روزگار بود، کسب فیض کرده، در یک نامه خود نوشته:

”این نیازمند فیض برده خدمت مخدومی ملّا عبدالکریم است.“

دکتر عبدالله می نویسد که برهمن و بنوالی داس هر دو شاگرد ملّا بدخشی بودند، لکن در منشآت هیچ تذکری در این باب نیست. البتّه برهمن در یک نامه درباره جعفر خان نوشته:

”مدّت یک قرن است که فقیر نسبت شاگردی در خدمت آن استاد حقیقی دارد.“

علاوه بر این اسلام خان را نیز به این لقب نوشته:

”استاد صافی نهاد سلامت.“

شاگردان برهمن

چندربهان برهمن یک شاعر بلند مرتبت بود و از علوم و فنون روزگار خود خوب آگاهی داشته است. از نیرو ممکن است که تعداد بسیاری از او کسب فیض کرده باشند. لکن در کتاب تذکره از نامشان هیچ ذکری نشده، فقط دو نام از پژوهش و کنجکاوی بسیار برآمده است. یکی صورت سنگه و دیگری امین الملک.

محسنین برهمن

چندربهان چنان که گفته شد یک مرد علم دوست و شریف‌النفس بود، در منشآت خود آن بزرگان را که از ایشان فیض یافته، با احترام و ادب نامبرده است، مانند: علامه عبدالکریم - عنایت خان، افضل خان، علامه سعدالله گلشن، عمده الملک جعفر خان، شهزاده داراشکوه و نظایر اینها.

شعر فقط وسیله تفریح نیست، بلکه یک کار اصلاح و رهبری نیز برای یک شاعر عالی مرتبت لازم است تا شاعر به رتبه تلمیذ رحمن برسد و اگر زندگانی شاعر از آلودگی و زشتی پُر باشد، کلامش از تأثیر خالی خواهد ماند و نویسنده هرگز به مرتبه

لسان الغیب فایز نخواهد شد. شعر برهمن آئینه‌دار کردار و شخصیت اوست. او یک مرد ساده بود. بنیاد عقیده و ایمان او اصلاح کل بود. با بنی نوع انسان رشته برادری داشت و همه را دوست می‌دانست. چنانکه خود می‌گوید:

”همه را برادر معنوی و دوست ازلی می‌دانم.“

تصانیف برهمن

در منشآت خود از تصانیف خویش نشان داده که به قرار ذیل است:

- (۱) دیوان - مشتمل بر غزل، رباعی و مثنوی است، کتابخانه خدابخش، پتنا؛
- (۲) گلدسته؛
- (۳) چهار چمن، کتابخانه رضا، رامپور؛
- (۴) تحفة الانوار؛
- (۵) کارنامه؛
- (۶) تحفة الفصحا؛
- (۷) مجمع الفقراء؛
- (۸) منشآت برهمن، کتابخانه رضا، رامپور؛
- (۹) رقعات برهمن، کتابخانه رضا، رامپور؛
- (۱۰) انشای هفت گلشن، کتابخانه بدپاسیها، احمدآباد، گجرات؛
- (۱۱) نازک خیالات (ترجمه از سانسکریت)، تصنیف شنکر اچاریه.

* * *